

نفت بشکه ای ۱۱۵ دلار و فقر صاحبان آن در ایران

جنجال تبلیغاتی در داخل کشور خبری از سر و سامان یافتن ایران نمیدهد. بخشی از درآمد سرشار نفت آنچنان که حکومت بارها اعلام کرده است به کشورهای لبنان و سوریه و ونزوئلا و نیکاراگوئه اهداء میشود و از این بخشش عراق نیز اخیراً بی نصیب نمانده است. فاصله طبقاتی در ایران روز بروز افزوده میشود. اقتصاد بیمار ایران خبر از آینده تاریکتری میدهد. اکثریت عظیمی از مردم ایران در تلاش زنده بودن هستند نه زندگی کردن که زندگی برای آنان با مفهوم زنده بودن برابر شده است.

کارشناسان اقتصادی جهان سال ۸۷ را برای جمهوری اسلامی سال آشکار شکست اقتصادی میدانند که حکایت از ناتوانی حکومت در کاهش تورم و گرانیست و وضع اقتصادی کم درآمدهای جامعه وخیم تر خواهد شد و نارضایتی مردم افزایش مییابد.

وزیر اقتصاد اعلام کرد: (دولت در زمینه مهار تورم به اهداف خود نرسید و سال ۱۳۸۶ تورم چهار تا پنج درصد بالاتر از سال قبل بوده است). شاید این اعتراف صریح در شکست اقتصادی گوشه ای از دلایل برکناری او در بیستم فروردینماه ۸۷ باشد.

رئیس بانک مرکزی هم در اسفند ۸۶ اقرار میکند که: بعلت نبود زیر ساختهای اقتصادی درآمد هنگفت دولت در جایی که باید سرمایه گذاری نمیشود و این مسئله موجب آنست که بجای ورود سرمایه به کشور که موجب شکوفائی است نرخ تورم را بالا ببرد. سیاست و

اقتصاد علوم شناخته شده ای هستند که برای مصالح ملی هر کشور باید بکار آید. علوم را بی فایده انگاشتن و نظریات متخصصان را نادیده گرفتن همانست که بر سر اقتصاد کشور ما آمده است و ارمغان آن فقر و تنگدستی قشرهای وسیع جامعه است.

در سرزمینی که آزادیهای فردی و اجتماعی توسط دولتمردان نادیده گرفته شده و دارای اقتصادی بیمار است و سیاستهای نادرست داخلی و خارجی که با منافع ملی آن در تعارض است از سوی صاحبان قدرت اعمال میشود نمیتوان در انتظار آینده ای روشن بود.

فقر و نابسامانی میهن ما را دربر گرفته است. برنامه های نادرست اقتصادی حکومتگران برای همه صاحب نظران هوداست. گرانی در روزهای آغازین سال ۸۷ بیش از پیش مردم تحت ستم ما را میازارد. در اواخر سال گذشته مسئولین اقتصادی حکومت گفتند که خط فقر در شهرهای ایران درآمد ماهانه ششصد هزار تومانی است. در بودجه سال ۸۷ با افزایش مبلغ ناچیزی به حقوق ماهانه کارگران آنها به حدود دویست و بیست هزار تومان رسانده اند و با نگاهی به درآمد طبقات متوسط جامعه چون معلمان و کامندان ملاحظه میشود که همه آنان نیز زیر خط فقر به سختی روزگار میگذرانند.

بر اساس گزارش صندوق جهانی پول ایران پیشتاز تورم در خاورمیانه است و بیش بینی میشود تورم در سال جاری بالاترین میزان در میان ۱۴ کشور منطقه و پنجمین نرخ تورم بالا در میان ۱۸۳ کشور جهان خواهد بود. کمترین تورم در خاور میانه متعلق به بحرین با نرخ ۳/۳٪ است و زاین در میان ۱۸۳ کشور جهان کمترین نرخ تورم ۰/۶٪ را داراست و با نرخی که با توجه به سبد کالای ایران اعلام شده ۲۰/۷ درصد نرخ تورم ایران است در حالیکه اقتصاددانان آنها بیس از ۳۰ درصد محاسبه میکنند.

درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۸۶ حدود هشتاد میلیارد دلار بوده است. مردم ایران از چگونگی مصرف این درآمد سرشار بی خبر است. نبود آزادی قلم و مطبوعات امکان نمیدهد که افکار عمومی پرسش خود را در سطح جامعه مطرح سازد. میگویند مجلس بر ذخیره ارزی حاصله از افزایش قیمت نفت باید نظارت کند ولی مطالعه خبرهای مجلس چنین نظارتی را تایید نمیکند و اگر یکی از راه یافتگان به مجلس شورای اسلامی سنوالی کند دهها اتهام او را از کرده خود پشیمان میکند. در مطبوعات دولتی آمده است که وزارت آموزش و پرورش از اینکه هزینه سرانه دانش آموزان که سالی پانزده هزار تومان است را به حساب وزارتخانه مذکور واریز نشده در شکایت است؟! این مبلغ باید در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بین مدارس سراسر کشور توزیع میشد که گوشه ای از مخارج مدرسه های ایران در تامین وسائل آموزشی و بهبود شرایط آموزش است.

روز بیستم فروردین را جشن پیروزی هسته ای اعلام کردند و در مدارس که روز بروز ویرانتر میشود زنگ انرژی هسته ای نواختند. شاید این زنگ صدایی بود که یکی از چاههایی که سیل درآمد نفت در آن بدون هر گونه کنترلی از سوی نمایندگان واقعی و برگزیده ملت ایران ریخته میشود را بشناسیم. دستیابی به انرژی هسته ای در کشورهای کره شمالی، پاکستان، قزاقستان و دیگر کشورهای غیر دموکراتیک جز تحمیلی بر اقتصاد آنان ثمری نداشته است و تلاش صاحبان قدرت در ایران نیز جز انزوای سیاسی در سیاست خارجی و